

بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی

محمود لاری دشت بیاض^۱ کامران قائم مقامی^۲ قاسم کهرمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۱۱

چکیده

مالیات از اهم درآمدهای دولت است که پذیرش آن از طرف ملت و نحوه اجرای آن از طرف دولت، به ویژگی‌های فرهنگی هر کشور بستگی دارد. اگرچه ممکن است مالیات از نظر برخی، پرداخت یک‌جانبه ملت به دولت تلفی گردد؛ به همین منظور در پرداخت مالیات مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. لیکن اگر فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نهادینه شود، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی می‌باشد. تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع پیمایشی است. داده‌ها بر اساس نظرسنجی از کارشناسان

^۱ استادیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) m.lari@um.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. عضو انجمن حسابداری ایران و انجمن مهندسی مالی ایران. ghaemmaghamik@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات، سرگروه حسابداری آموزش و پرورش قاین و کارشناس رسمی دادگستری.

امور مالیاتی استان خراسان جنوبی از ۱۱۷ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و برای سنجش متغیرها از طیف لیکرت استفاده شده است. لازم به ذکر است برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از نرم افزارهای SPSS و R به کار گرفته شده که نتایج نشان می‌دهد بین عوامل فرهنگی، اقتصادی و مؤلفه‌های سیاسی-قانونی با فرار مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: فرار مالیاتی^۱، مؤلفه‌های فرهنگی^۲، رویکرد پیمایشی^۳.

¹ Tax Evasion

² The cultural components

³ Survey approaches being

۱- مقدمه

از دیرباز در جامعه‌ها و حکومت‌ها مالیات به‌عنوان منبعی برای هزینه‌های دولت حاکم به روش‌های گوناگونی از مردم اخذ می‌شد و با گسترش علم سیاست و اقتصاد هر زمان ابعاد تازه‌تری می‌یافت. مالیات در گذشته بسیار دور به‌عنوان نوعی باج‌خواهی تلقی می‌شد که حکومت‌ها برای رفع نیازهای خود و قدرت خواهی و کشورگشایی در جنگ‌ها بازور از مردم مطالبه می‌کردند، ولی با گسترش و تشکیل حکومت‌های دموکراسی دیگر چنین نبود؛ بلکه به‌عنوان یک تکلیف قانونی و تصویب‌شده برای هزینه‌های امور زیربنایی و ایجاد مؤسسات و صنایع و کارخانه‌ها و رفاه و آسایش مردم و در جهت هزینه‌های عمران و آبادی، آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی و جلوگیری از فاصله‌های طبقاتی از اهمیت خاصی برخوردار است که در نهایت سود آن به خود افراد کشور برمی‌گردد ولی متأسفانه هنوز این فرهنگ سوددهی به جامعه از طرف برخی از شهروندان که در طول سال دارای درآمدهای سرشاری هستند وجود ندارد و باوجود این همه قوانین مالیاتی از راه‌های دیگر از زیر بار تکلیف قانونی و شرعی شانه خالی کرده و به اصطلاح راه فرار از مالیات را پیش می‌گیرند. این مسأله ما را بر آن داشت که در این زمینه مطالعاتی انجام و به بررسی و علل فرار از پرداخت مالیات در استان خراسان جنوبی بپردازیم که حاصل آن تهیه و تنظیم این طرح است. در زمان رکود اقتصادی، مشارکت مردم ضروری است. نوسانات رشد اقتصادی مرتبط با مالیات اجازه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فعالیت‌های تولید و عمومی را نمی‌دهد (کلیمن و همکاران، ۲۰۱۶).

در سده اخیر دامنه وظایف دولت به شکل‌های گوناگون افزایش یافته و به‌رغم اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی کماکان هزینه‌های دولت به مقیاس بی‌سابقه‌ای فزونی یافته و در نتیجه نیاز به منابع عظیم مالی وجود دارد. از بین این منابع، مالیات در جهان امروز نقش اصلی را ایفا می‌کند و توجه دولت به توان انسجام نظام مالیاتی بیش‌ازپیش نمایان گشته است. با توجه به اینکه مطالعه فرهنگ مالیاتی (مؤلفه‌های فرهنگی) در برخی از کشورها سابقه طولانی دارد؛ باین وجود در ایران (علی‌الخصوص خراسان جنوبی) موضوع جدیدی است.

در نظام مالیاتی کشور ما فرهنگ پرداخت مالیات به طور داوطلبانه بر اساس خود اظهاری پایین است؛ چراکه سیستم مالیاتی کارساز و مؤثر نیست، همچنین اعتماد متقابل هم بین مأموران تشخیص و مؤدیان مالیات وجود ندارد (قبله وی، ۱۳۸۶). مالیات پیچیده است و کاوش در نظام مالیاتی به راهنمایی و کیل، حسابداران و مشاوران ماهر دارد. فرار از پرداخت مالیات غیرقابل قبول و یا غیرقانونی است با این حال هیچ خط روشن بین این دو وجود ندارد. فرار از پرداخت مالیات از طریق یکسری اعمال؛ مانند ارائه بیانیه‌ای نادرست از حساب‌ها، تغییرات یا ورودی‌های نادرست، یا مدارک و اسناد دروغین، نابود کردن مدارک و یا سوابق، پنهان‌سازی ماهیت دارایی و یا سرپوش گذاشتن منابع درآمد به منزله فرار از پرداخت مالیات است (ملکاوی و هالوش، ۲۰۰۸). نظر به تعدد انواع مالیات در نظام مالیاتی کشور، پژوهش حاضر توجه خود را به «کارکنان کادر تشخیص مالیات ادارات مالیاتی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی» معطوف نموده است که مستقیماً به اشخاص حقیقی شاغل در ادارات مالیاتی استان ارتباط می‌یابد و ساختار انگیزش افراد در پرداخت یا عدم پرداخت مؤدیان، ایفای نقش می‌کند. مالیات یکی از بهترین و توانمندترین ابزار اقتصادی با کارکردهای گوناگون است که باعث تنظیم جامعه می‌شود. دستیابی به اهدافی نظیر فرهنگ مطلوب مالیاتی نیاز به زیرساخت‌های رشد اخلاقی مؤدیانی مبنی بر پذیرش مالیات و اعتقاد به پرداخت صادقانه آن دارد (خادم و همکاران، ۱۳۹۳). برخی از درآمدهای تحصیل شده توسط اشخاص مشمول مالیات نیست و یا دارای نرخ‌های جداگانه‌ای می‌باشند که از جمله آن می‌توان درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی و محصولات کشاورزی که معاف از مالیات می‌باشند، اشاره نمود در نتیجه اشخاص می‌توانند با برنامه‌ریزی مالیاتی سود مشمول مالیات را کاهش دهند و مالیات کم‌تری بپردازند. پژوهش حاضر به بررسی و تبیین ارتباط مثبت و معنادار بودن بین فرار مالیاتی با عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - قانونی می‌پردازد. لذا سوال تحقیق حاضر عبارت است از اینکه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی (با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی) کدام‌اند؟

۲- مبنای نظری و پیشینه پژوهش

مروری بر ادبیات موضوع مبین آن است که اساساً دو جریان عمده در تبیین رفتار فرار مالیاتی وجود داشته است. از یک سو مدل‌های مبتنی بر اقتصاد نئو کلاسیک مرسوم سعی بر آن داشته‌اند تا پدیده عدم تمکین مالیاتی را بر بنیان داده‌های مفروض در اقتصاد متعارف، از قبیل اصل «حداکثر سازی سود مورد انتظار» و «اصل عقلانیت فردی» تبیین کنند و از سوی دیگر رویکردهای متفاوتی را شاهد هستیم که به کلی، منتقد مدل‌های فرمالیستی اقتصاددانان مرسوم بوده‌اند یا پیش فرض‌های اولیه آن‌ها را در تبیین این پدیده کافی نمی‌دانند و درصدد افزودن پارامترهای غیراقتصادی، مانند نهادهای رسمی و غیررسمی به مدل‌های ریاضی‌وار آن‌ها برآمده‌اند (بکر^۱، ۱۹۶۸). فرار مالیاتی تقلب، حيله‌گری، تحریف عمدی یا پنهان کردن اعداد و ارقام باهدف اجتناب از پرداخت و یا کاهش میزان مالیات پرداختی است (فاریولا^۲، ۱۹۸۷). رفتار مؤدیان مالیاتی در برابر قانون مالیات در یک طیف وسیع از تمکین تا عدم تمکین (فرار مالیاتی) قرار دارد. تمکین مالیاتی یعنی رعایت قوانین و مقررات از سوی مؤدی (رسولی شمیرانی و اسدزاده، ۱۳۸۶) و عدم تمکین به معنی عدم رعایت قوانین و مقررات مالیاتی کشور می‌باشد. به‌طور کلی فرار مالیاتی برای کاهش در پرداخت‌ها مالیات‌ها تعریف می‌شود. مالیات از ویژگی‌های نظام اجتماعی است که پذیرش آن از سوی ملت و نحوه اجرای آن از سوی دولت به ویژگی‌های فرهنگی کشور بستگی دارد. به‌طور کلی، برخورداری از فرهنگ مالیاتی منجر به پذیرش شکل داوطلبانه آن توسط گروه‌های اجتماعی می‌شود. فرهنگ مالیاتی به مجموعه‌ای از عناصر مادی قابل لمس و اندازه‌گیری و عناصر معنوی قابل تقسیم بندی است. در این چارچوب ابزارهای موجود در سیستم مالیاتی مانند روش‌های پرداخت مالیات و به‌هنگام کردن قوانین مالیاتی را به‌عنوان عناصر مادی فرهنگ مالیاتی و از طرف دیگر هنجارهای حاکم بر ذهنیت گروه‌های اجتماعی نسبت به پرداخت مالیات و موارد مصرف آن، احساس عدم تبعیض میان مؤدیان مالیاتی، از جمله عناصر معنوی فرهنگ مالیاتی را تشکیل می‌دهند. تحولات سریع در نظام‌های

¹ Becker

² Farayvla

اقتصادی باعث می‌شود ویژگی‌های مادی فرهنگ مالیاتی به دلیل پیشرفت فناوری، رشد کند، ولی بخش معنوی آن به دلیل ارتباط با موارد کیفی و تحولات جامعه‌شناختی، به‌کندی رشد کند و در این حالت، با عقب‌افتادگی فرهنگ مالیاتی روبرو می‌شویم (استرکی، ۱۳۸۹).

در یک مطالعه نظری باگوتی و هانسن (۱۹۷۳)، محدودیت‌های تجاری به شکل نرخ تعرفه را به‌عنوان علت شکل‌گیری و رشد فعالیت غیرقانونی قاچاق معرفی می‌کنند. قاچاق کالا عبارت است از وارد یا صادر کردن کالا برخلاف قوانین و مقررات جاری کشور. با توجه به آنکه در قاچاق، کالا به‌طور غیرقانونی وارد کشور می‌شود و به‌طور طبیعی از نظارت‌های گمرکی پنهان می‌ماند، می‌توان گفت: رشد و توسعه فعالیت‌های قاچاق، معادل فرار مالیاتی بیشتر در واردات کشور است. باگوتی (۱۹۷۴)، پس از مقایسه ارزش صادرات گزارش‌شده به ترکیه توسط شرکای تجاری این کشورها شامل ایتالیا، آلمان، امریکا، فرانسه و هلند با واردات گزارش‌شده از شرکای تجاری توسط این کشورها اختلاف تجاری و ارزیابی کمتر از واقع کالاهایی که باید از گمرک عبور نمایند را امری متداول می‌داند و بر اساس آن به برآورد حجم واردات غیرقانونی و قاچاق می‌پردازد. بر اساس تحلیل باگوتی، چنانچه میزان واردات گزارش‌شده از رقبای تجاری توسط ترکیه از میزان صادرات گزارش‌شده به ترکیه توسط شرکای تجاری کمتر باشد، واردات غیرقانونی یا قاچاق صورت گرفته است. بر این اساس اختلاف در داده‌های تجاری یک کشور نشان دهنده واردات غیرقانونی است که در این صورت تعرفه یا مالیات کالاهای وارداتی پرداخت نمی‌شود و فرار مالیاتی صورت خواهد گرفت. تحقیقات قبلی وگل (۱۹۷۴)، در سوئد، سانگ و یاربرو (۱۹۷۸)، در آمریکا نشان داد هنگامی که اشخاص اعتماد بیشتری به دولت دارند، احتمال کمتری دارد که از پرداخت مالیات بر درآمد اجتناب کنند. جکسون و میلیرون (۱۹۸۶)، اعتماد به دولت به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های فرار مالیاتی معرفی شده است. مالیات‌دهنده انتظار دارد در مقابل مالیاتی که پرداخت می‌کند، در محیط اطراف خود خدمات خوبی برای مثال امکانات رفاهی، تفریحی و آموزشی بیشتر را مشاهده

ودریافت کند. لوی (۱۹۹۸)، در پژوهشی ادعا می‌کند که اگر افراد براین باور باشند که دولت در جهت منافع آنها عمل می‌کند، رویه آن منصفانه است و چنانچه اعتماد آنها به دولت متقابل باشد، محتمل است آنها به صورت مشروط راضی شوند تا در پرداخت مالیات شرکت کنند. اشنایدر (۲۰۰۰)، اجرای خودسرانه و ضعیف قوانین و مقررات مالیاتی، فساد و فرار مالیاتی را تشویق می‌کند. فلد فری (۲۰۰۲)، استدلال می‌کند که رابطه بین افراد و دولت به‌عنوان یک قرارداد روان‌شناختی که شامل روابط عاطفی قوی و وفاداری می‌باشد، مشاهده شده است. چنین قرارداد روان‌شناختی می‌تواند با اعمال مبتنی بر اساس اعتماد حفظ شود. اعتماد بیشتر به دولت انگیزه افراد را افزایش داده تا خود را به اطاعت و پیروی از قوانین مالیاتی متعهد بدانند. اسلمرد (۲۰۰۳)، در آلمان و آمریکا از رابطه منفی بین اعتماد به دولت و فرار مالیاتی حمایت کردند. در پژوهشی اودیال و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند که اعتماد به دولت تأثیر مثبتی بر فرار از پرداخت مالیات بر درآمد در نیجریه ندارد و همچنین نبود الزامات قانونی تأثیر مثبتی بر فرار از پرداخت مالیات بر درآمد در نیجریه دارد و حضور در کلیسا و سطح بالای دین‌داری فردی به‌عنوان مثال، باورها و اعتقادات مذهبی شخصی هر دو، رابطه منفی معنی‌داری با فرار مالیاتی دارد. به‌طور کلی، آنها دریافتند که اثر دین‌داری فردی بر گرایش به فرار مالیاتی بیشتر از حضور در کلیسا است. رابطه معناداری را بین مذهب و فرار از پرداخت مالیات بر درآمد در نیجریه نیافتند. در بررسی جیمز و موسی (۲۰۱۲)، تأثیر فرار مالیات بر درآمد دولت در یک اقتصاد در حال توسعه - مطالعه موردی نیجریه دریافتند که تنوع منابع درآمد برای توسعه اقتصادی بسیار مهم است اگر نیجریه برای بهبود زندگی شهروندان خود به‌طور برابر رتبه‌بندی نماید. به‌جای تمرکز بر روی درآمد حاصل از حجم نفت و گاز باید تمام منابع خود در یک سبد قرارداد. در این روزگار مدرن که توسعه فن‌آوری سریع آن در هیچ زمانی نبوده؛ استفاده از منابع معدنی مانند نفت و گاز، متنوع شده و این منابع باید در صورت امکان با انرژی خورشیدی که بیشتر به نفع محیط‌زیست است، جایگزین می‌شود. علاوه بر این، پایان نوسانات در قیمت نفت که از ویژگی‌های بازار نفت است، مشخص نیست؛

بنابراین، برای ساخت و حفظ فرهنگ توسعه پایدار، نیاز فوری برای بررسی و بازسازی از سیاست‌های مالیاتی کشور و نظام اداری وجود دارد. چرا دولت گامی برای مقابله با کسری بودجه سالانه چندساله و شکاف مالیاتی بر نمی‌دارد؟ شهروندان باید به مسئولیت‌های مدنی خود از نظر انطباق با مالیات آشنا باشند. جان و همکاران (۲۰۱۳)، فرار و اجتناب از پرداخت مالیات هر دو از پدیده‌هایی هستند که احتمالاً تاریخ آن به قدمت خود مالیات می‌رسد. پیشینه ادبیات نشان می‌دهد که اجتناب و فرار از مالیات نشان‌دهنده برخی از مشکلات پیچیده مقابل اقتصاد نیجریه است^۱. در نتیجه فرار و اجتناب از پرداخت مالیات از دست دادن درآمد مالیاتی که ممکن است باعث آسیب‌های جدی به عملکرد مناسب بخش دولتی گردد و تهدیدی بر توانایی برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی است؛ بنابراین، این مطالعه عواملی که بر فرار و اجتناب از پرداخت مالیات در نیجریه مؤثرند را مورد بررسی قرار می‌دهد. طرح مطالعه بررسی طرح پژوهشی می‌باشد. پرسش‌نامه شش عاملی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف انتخاب و اطلاعات اولیه از ۱۲۰ کسب و کارهای کوچک و متوسط در لاگوس جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که کیفیت پایین خدمات درازای مالیات باعث اجتناب و فرار از پرداخت مالیات در نیجریه قرار دارند. علاوه بر این، سیستم مالیاتی و درک کم از عدالت مالیاتی، عدم شفافیت، پاسخ‌گویی نهادهای عمومی و سطح بالای فساد به میزان قابل توجهی اجتناب و فرار از پرداخت مالیات را در نیجریه تحت تأثیر قرار داده است. این مطالعه توصیه می‌کند که اقدامات فوری باید توسط دارندگان مناصب عمومی به‌اندازه رساندن درآمد مالیاتی انجام دهند؛ تا زمانی که منجر به شفافیت، پاسخ‌گویی و مبارزه علیه فساد شود. در مطالعه ای احمد و همکاران (۲۰۱۴)، بررسی عوامل مؤثر بر نگرش‌ها و بررسی تسلیم پذیرش مالیات‌دهندگان فردی با در نظر گرفتن عوامل داخلی و خارجی در یمن^۲ بود. مطالعه در شهرستان صنعا، پایتخت یمن به منظور ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر در کاهش تسلیم مالیات‌دهندگان، تمکین مالیات‌دهندگان انجام شد. پرسش‌نامه با استفاده از یک

^۱مجله بین‌المللی تحقیقات در تجارت و مدیریت ۰۵/۲۰۱۳/۴ (۵): ۱۰۷-۱۱۱

^۲مجله اروپایی کسب و کار و مدیریت

مقیاس لیکرت پنج دیدگاه طراحی شده و به منظور بررسی، بین مالیات‌دهندگان توزیع شده است. نتایج نشان داد که نرخ مالیات بالا و سیستم مالیاتی ناعادلانه دو عامل بسیار مهم مرتبط با عدم رعایت پذیرش مالیات است. علاوه بر این، حساسی ناکافی مالیاتی، اثرات بازدارنده کمی دارند. جریمه‌های مالیاتی، معافیت و تخفیف مالیاتی، اغلب تأثیر بر تصمیم و پذیرش رعایت مالیات‌دهندگان دارد. عواملی مانند کافی نبودن تعداد کارکنان اداره مالیات، تغییرات مکرر قانون مالیات‌ها، رعایت پذیرش مالیاتی را تا حدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نیز نشان داد که مالیات‌های جمع‌آوری شده در یمن، به عنوان کالا عمومی و خدمات دولتی بر نمی‌گردد. هنگامی جنسیت و سن مورد پرسش قرار گرفت، در پاسخ‌ها، زنان سازگارتر و پذیرش زنان در خصوص پرداخت مالیات در مقایسه مردان بیشتر بود؛ در حالی که به طور کلی سن عامل مهمی به خصوص برای عوامل خارجی نیست. تفاوت معنی‌داری نسبت به پذیرش و تسلیم مالیات در گروه مسن‌تر نسبت به جوانان مشاهده نشد.

در پژوهشی طاهر پور کلانتری (۱۳۸۳)، در شناسایی عوامل فرهنگ مالیاتی مؤدیان مشاغل شهر تهران (مرکز) به این نتیجه رسیدند که این پژوهش تا حدود زیادی مشابه تحقیقات انجام شده در اتریش، استرالیا و روسیه است. همانند پژوهش حاضر، اولین و مهم‌ترین متغیری که پاسخ‌دهنده‌ها (۵۱ درصد) مطرح نموده‌اند، عادلانه نبودن سیستم مالیاتی است. در اتریش برای ایجاد یک فرهنگ مناسب مالیاتی اولین و مهم‌ترین اصلاح در سیستم مالیاتی، رفع بی‌عدالتی و تبعیض بود که مطرح گردید. همان‌گونه که در نتایج پژوهش آمده است، عاملی که اولویت یکم را دارد، عدالت و کارکرد سازمان مالیاتی است. بنابراین مسئولان باید همانند تجربه اتریش عدالت در پرداخت مالیات و یا توانایی پرداخت مالیات را در نظر بگیرند. عدالت در تشخیص وصول مالیات، جزئی از بنیان‌های انکارناپذیر هر جامعه مالیاتی است. استرکی (۱۳۸۹)، در ایران، مالیات نسبت به دیگر ارزش‌های اجتماعی، جایگاه کمتری در فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی کشور دارد. به جز سازمان امور مالیاتی که به عنوان متولی رسمی امور مالیاتی کشور است، کمتر نهاد یا سازمان مردمی خود را موظف به تشویق امر مالیات در کشور می‌داند. در کنار آن، می‌توان

به بی‌اهمیت دانستن مالیات در برنامه احزاب نیز اشاره کرد، به طوری که تاکنون هیچ حزبی با شعار و برنامه مالیاتی وارد گود انتخاباتی نشده است. به علاوه، علی‌رغم صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بی‌شمار توسط سازمان امور مالیاتی، از طریق وب‌سایت، روزنامه‌های کثیرالانتشار و غیره به صورت کامل منتشر نمی‌شود و در اختیار مؤدیان و بعضاً ممیزان قرار نمی‌گیرد. همچنین، با توجه به این که مؤدی پایه‌های نظام اقتصادی مملکت را تشکیل می‌دهد، لیکن در ایران نظام پاسخ‌گویی ضعیف است به صورتی که گزارش تشخیص مالیات توسط ممیز در اختیار مؤدی قرار نمی‌گیرد تا مؤدی بتواند از خود دفاع کند و بعضاً ممیز با مؤدی از موضع تحکم برخورد می‌کند. زهی نقی و همکاران (۱۳۸۹)، در بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)،

نتایج حاصل از پژوهش را به طور اجمال در سه بعد به شرح زیر ارائه نمودند:

۱. عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که مؤدیان و کادر مالیاتی بر آن اتفاق نظر دارند.

۲. عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که فقط مؤدیان مالیاتی به آن معتقدند.

۳. عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که فقط کارکنان مالیاتی به آن معتقدند.

در تحقیقی دیگر نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۱)، از الگوی پستل استفاده شده که این الگو، عوامل شش‌گانه: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، محیطی و قانونی را در فرار مالیاتی مؤثر می‌داند.

مالیات از اهم منابع درآمدی دولت است که پذیرش آن از طرف ملت و نحوه اجرای آن از طرف دولت، به ویژگی‌های فرهنگی هر کشور بستگی دارد. اگرچه ممکن است مالیات از نظر برخی، پرداخت یک‌جانبه ملت به دولت تلقی گردد و به همین منظور در پرداخت مالیات مقاومت‌هایی صورت گیرد، لیکن اگر فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نهادینه شود بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی (به نمایندگی الزامات قانونی، عدالت در سیستم مالیاتی، اعتماد به دولت، مذهب، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی به حقوق مؤدیان) می‌پردازد، از رگرسیون لجستیک برای تخمین رابطه فرار مالیاتی و متغیرهای مستقل

استفاده شده است و پنج فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های آن پژوهش نشان می‌دهد که فقدان الزامات قانونی یا الزامات قانونی کم و نبود عدالت در سیستم مالیاتی اثر مثبتی بر فرار از پرداخت مالیات دارند. همچنین اعتماد به دولت فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد. با این حال، رابطه معناداری بین مذهب و عدم اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی به حقوق مؤدیان با فرار مالیاتی مشاهده نشده است. سیاست‌گذاران دولت می‌توانند از نتایج آن تحقیق برای اصلاح فرهنگ مالیاتی و نیز اصلاح خط‌مشی و سیاست‌های مالیاتی در جهت حداقل کردن فرار مالیاتی استفاده کنند.

پنج مورد کلی عواملی که به نظر می‌رسد بر فرار مالیاتی در شرایط محیطی ایران بیشتر تأثیر دارد؛ شامل الزامات قانونی، عدالت در سیستم مالیاتی، اعتماد به دولت، مذهب، دین‌داری، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی؛ که به اختصار توضیح داده شده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲):

به نظر می‌رسد، در شرایط محیطی ایران، متأثر از نظام غیر شفاف کسب و کار مانند واسطه‌گری‌های متعدد، خرید و فروش‌های بدون برگ خرید رسمی، فقدان کدگذاری همه کالاها و اقتصاد زیرزمینی نظام مالیاتی نیز غیر شفاف می‌گردد. علاوه بر این عوامل قانونی بسیاری می‌تواند بر فرار مالیاتی تأثیرگذار باشد که به مهم‌ترین آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود. با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، عزم جدی برای قانون‌گذار در جهت ایجاد سامانه سالم و قدرتمند اخذ مالیات وجود ندارد. در تصویب و اصلاح قوانین مالیاتی کار کارشناسانه جدی صورت نمی‌گیرد که منجر به صدور بخشنامه‌های متعدد مالیاتی نیز شده و لذا قانون مالیات‌ها دارای ضعف و نارسایی است؛ پیچیدگی قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مالیاتی متعدد و پراکنده که موجب برداشت و تفسیرهای مختلف و نهایتاً بروز اختلاف بین ممیزان و مؤدیان گردیده است؛ اجرای ضعیف و خودسرانه قوانین و بخشنامه‌ها، به طوری که پرونده‌های مالیاتی در نقاط مختلف به صورت متفاوت رسیدگی می‌شود؛ استانداردهای حسابداری (سیستم حسابداری) با قانون مالیات‌ها تناقض‌هایی دارد که در نهایت منجر به پیچیدگی در حقوق مالیاتی می‌گردد؛ عدم تبادل

اطلاعات مالی گسترده چهار نهاد مهم اقتصادی (گمرک، سیستم بانکی، نهادهای بازرسی و سازمان امور مالیاتی) با یکدیگر، بنابراین شواهد و قراینی جز آنچه مؤدی ارائه می‌کند، برای ممیز وجود ندارد؛ یک قانون اشتباه ممکن است بعد از چندین سال توسط دیوان عدالت اداری باطل شود. بعد از ابطال نیز حقوق کسانی که متضرر شده‌اند نادیده گرفته می‌شود (عطف به ما سبق نمی‌شود). از دیگر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ایران نبود عدالت در سیستم مالیاتی بیان شده است. سیستم مذکور به گونه‌ای است که وجود معافیت مالیاتی برای برخی از بخش‌های اقتصادی و سازمان‌های دولتی، سبب ایجاد تفاوت در بهای تمام‌شده کالاهای تولیدی و به تبع آن فرصت نابرابر رقابت بین آن‌ها و بخش خصوصی گردیده است. همچنین نرخ‌های مالیاتی برای بنگاه‌های تولیدی بسیار بزرگ و کوچک برابر است، درحالی که دولت باید از بنگاه‌های کوچک بیشتر حمایت کند. از طرف دیگر اخذ مالیات از مؤدیان شناخته‌شده و در دسترس (برای مثال حقوق‌بگیران و تولیدکنندگان بزرگ)؛ و عدم پرداخت مالیات توسط بخش‌هایی که دسترسی به آن‌ها وجود ندارد (برای مثال بخش خدمات و اصناف). سبب تحمیل فشار به مؤدیان در دسترس می‌گردد. بدیهی است که این روند باعث دلسردی مالیات‌دهندگان خواهد شد و احساس تبعیض و بی‌عدالتی را در اخذ مالیات در پی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد، در نظام اقتصادی ایران، مالیات‌ها علیرغم اهمیتی که در امر تخصیص، توزیع و تثبیت دارند، متأسفانه بسیار کم مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است. شاید اتکا بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی، مسائل و منابع مالیاتی را به فراموشی و بی‌توجهی کشانده است. اکثر محققین و کارشناسان مالیاتی بر این عقیده متفق‌القول‌اند که ادبیات اقتصاد ایران از این بابت فقیر است. متأسفانه ادبیات اقتصاد ایران در زمینه مطالعات کاربردی مالیات نیز بسیار فقیر است که دو علت دارد: علت نخست، عوامل مؤثر در بی‌توجهی به تحقیقات به‌طور گسترده است که نیاز به برشمردن این عوامل نیست. عامل دوم خاص مبحث مالیات‌ها است. عدم وجود آمار لازم و مناسب، دلیل فقر نسبی بیشتر در ادبیات این رشته است.

یکی از مهم‌ترین مشکلات آماری عدم تطبیق سرفصل‌های آماری مالیاتی با متغیرهای درآمد ملی است. مالیات در اکثر کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان عمده‌ترین منبع مالی دولت در بخش درآمدی بودجه بوده و بخش قابل توجهی از هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد به‌گونه‌ای که در برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه‌های عمومی دولت از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌گردد. در اقتصاد کشور ما به دلیل شفاف نبودن درآمدها و عدم توانایی سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد مردم، میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده کما این‌که بخش قابل توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز به مرحله وصول نمی‌رسد و اگر هم وصول گردد اصل فایده در آن رعایت نمی‌گردد یعنی هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. در رابطه با نقش مالیات در اقتصاد ایران فقط به دو شاخص نسبت مالیات به هزینه‌های جاری دولت و... پرداخته می‌شود.

مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، در بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی به این نتیجه رسیدند که فقدان الزامات قانونی یا الزامات قانونی کم و بی‌عدالتی در سیستم مالیاتی اثر مثبتی بر فرار از پرداخت مالیات دارند. همچنین اعتماد به دولت فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد. با این حال، رابطه معناداری بین مذهب، عدم اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی به حقوق مؤدیان با فرار مالیاتی مشاهده نشد. صالحی و همکاران (۱۳۹۳)^۱، به بررسی تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مؤدیان امور مالیاتی در ۱۱ استان کشور می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش ۱۱ استان است که دارای شاخص تمکین ۹۳٪ درصد و بالاتر بوده است و به‌طور کلی ۳۲۴ مؤدی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون T تک‌عاملی و تحلیل عاملی اکتشافی تجزیه و تحلیل شدند. تمامی فرضیات در سطح ۰/۰۵ مورد آزمون قرار گرفته و معنادار بودند، همچنین از میان عوامل و ویژگی‌های فرهنگ مالیاتی، عدالت و کارکرد سازمان با میانگین ۳/۵۹ دارای بیش‌ترین میزان تأثیر بر تمکین مالیاتی بوده، صداقت و احساس مسئولیت مؤدیان با میانگین

^۱ پژوهشنامه مالیات، سال بیست و دوم، شماره ۲۳ (پیاپی ۷۱)

۳/۱۷ در رتبه دوم و نیز تمایل به پرداخت مالیات با میانگین ۳/۱۴ در رتبه سوم و کم‌ترین میزان تأثیر را به نسبت دو متغیر دیگر بر تمکین مالیاتی داشته است.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیق همبستگی، توصیفی و تحلیلی محتوا است و از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات یک تحقیق پیمایشی پرسشنامه‌ای و کتابخانه‌ای می‌باشد. در این تحقیق که بصورت مقطعی و در سال ۱۳۹۳ انجام شده است، ابتدا تعداد نمونه آماری از بین جامعه آماری که شامل ۳۰۰ مأموران امور مالیاتی شهرستان‌های ۱۱ گانه استان خراسان جنوبی، به روش به روش تصادفی طبقه‌ای (نمونه‌گیری گروهی) انتخاب گردیده است. پرسش‌نامه این تحقیق در واقع پرسشنامه تعدیل‌یافته جان و همکاران (۲۰۱۳) است که شامل سوالاتی با طیف لیکرت بوده است. به‌منظور سنجش پایایی این پرسشنامه، یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون تهیه و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه، میزان ضریب اعتمادپذیری با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده که مقدار ضریب آن برابر با ۰/۷۷۴ می‌باشد که بیانگر این است پرسش‌نامه از قابلیت اعتماد یا پایایی لازم برخوردار است. و به‌منظور سنجش روایی آن سؤالات از اعتبار عاملی استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نیز از نرم‌افزارهای آماری SPSS و R استفاده شده است. آزمون شاپیرو-ویلک متغیرهای مستقل برای بررسی توزیع نرمال بودن متغیر وابسته و از آزمون‌های T و رتبه‌ای ویلکاکسون برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

- بین عوامل فرهنگی و فرار مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.
- بین عوامل اقتصادی و فرار مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.
- بین عوامل سیاسی-قانونی و فرار مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

۵- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

۵-۱ فرار مالیاتی

استفاده از ابزارهای غیرقانونی، تحریف عمدی، پنهان کردن اعداد، تقلب و حيله‌گری باهدف کاهش میزان مالیات پرداختی و یا اجتناب از پرداخت مالیات به‌عنوان فرار مالیاتی در نظر گرفته شده است. متغیر وابسته این پژوهش فرار مالیاتی است که نحوه اندازه‌گیری آن از طریق پرسش‌نامه تعدیل‌یافته (جان و همکاران، ۲۰۱۳) می‌باشد.

۵-۲ عوامل فرهنگی

فرهنگ به مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، گرایش‌ها، و هنجارها، و ارزش‌ها اطلاق می‌شود. این مجموعه در داخل هر جامعه‌ای وجود دارد و در قالب هویتی فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد. در هر جامعه‌ای بسیاری از مردم شیوه تفکر، نوع اعتقادات و میزان باورهایشان به هم شبیه و نزدیک است و ما می‌توانیم با شناخت فرهنگ آن‌ها، رفتارشان را پیش‌بینی نماییم. فرهنگ مالیاتی نیز در واقع نگاهی خاص و نگرشی نشأت گرفته از فرهنگ است که به آن به‌مثابه مقوله مالیات نگریسته می‌شود (قبله وی، ۱۳۸۶). بر این اساس فرهنگ مالیاتی عبارت از مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها دانش‌های مشترک و پذیرفته شده یک جامعه است که افراد به‌موجب اصل تعاون و تأمین هزینه‌های دولتی سهمی از درآمد خود را برحسب توانایی به دولت پرداخت نمایند (قامتی آرانی، ۱۳۸۴). متغیر مستقل در فرضیه اول به‌طور کلی مؤلفه‌ها یا عوامل فرهنگی است. این مؤلفه‌ها یا عوامل، خود شامل ۱۲ پرسش و ۱۲ متغیر مستقل جداگانه بر اساس پرسش‌نامه تعدیل‌یافته (جان و همکاران، ۲۰۱۳) طراحی شده است و به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد.

جدول ۱: متغیرهای مستقل عوامل فرهنگی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ردیف
فرار مالیاتی	اعتماد به دولت	۱
فرار مالیاتی	سطح سواد مؤدیان	۲
فرار مالیاتی	اعتقادات مذهبی (دین داری)	۳
فرار مالیاتی	تبلیغات اثربخش و نقش روحانیت	۴
فرار مالیاتی	رفتار کارشناسان و مأمورین مالیاتی	۵
فرار مالیاتی	بخشودگی افراد مختلف از پرداخت مالیات	۶
فرار مالیاتی	آموزش افراد جامعه و بالا بردن سطح دانش آنها	۷
فرار مالیاتی	بالا بردن سطح دانش و کارایی مأموران مالیاتی	۸
فرار مالیاتی	اعلام صورت مصارف مالیات‌های وصول شده توسط دولت	۹
فرار مالیاتی	نبودن عدالت در سیستم مالیاتی	۱۰
فرار مالیاتی	فقدان الزامات قانونی یا الزامات قانونی ناکافی	۱۱
فرار مالیاتی	عدم اطلاع‌رسانی و عدم پاسخگویی به حقوق مؤدیان	۱۲

۳-۵ عوامل اقتصادی

نظریه‌های اقتصادی مالیاتی اغلب با نظریه بازدارندگی مرتبط است. رفتار مؤدیان مالیاتی تحت تأثیر محرک‌های اقتصادی مانند حداکثر سود، امکان کشف توسط مأموران، درآمد مؤدیان در اقتصاد غیررسمی و سایر عوامل اقتصادی قرار می‌گیرد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). متغیر مستقل در فرضیه دوم به‌طور کلی مؤلفه‌ها یا عوامل اقتصادی است. این مؤلفه‌ها یا عوامل خود شامل ۵ پرسش و ۵ متغیر مستقل جداگانه به شرح جدول شماره (۲) می‌باشد.

جدول ۲: متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ردیف
فرار مالیاتی	داشتن ثروت	۱
فرار مالیاتی	ساده‌سازی ضرایب مالیاتی	۲
فرار مالیاتی	اقتصاد زیرزمینی بخش خصوصی	۳
فرار مالیاتی	تأخیر زمانی وصول مالیات توسط اداره دارایی	۴
فرار مالیاتی	مشکلات اقتصادی ناشی از وضع تحریم‌ها و بار روانی آنها	۵

۵-۴ عوامل سیاسی-قانونی

تحقیقات محققان در این بخش نشان می‌دهد که سطح بالای اعتماد مردم به دولت، مشروعیت حکومت و عادلانه بودن سیستم مالیاتی می‌تواند به عنوان عوامل مثبت تأثیرگذار در تمکین مالیاتی مؤدیان عمل نماید (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). متغیر مستقل در فرضیه سوم به‌طور کلی مؤلفه‌ها یا عوامل سیاسی-قانونی است. این مؤلفه‌ها یا عوامل خود شامل ۱۰ پرسش و ۱۰ متغیر مستقل جداگانه به شرح جدول (۳) می‌باشد.

جدول ۳: متغیرهای مستقل مؤلفه‌های سیاسی-قانونی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ردیف
فرار مالیاتی	ثبات سیاسی	۱
فرار مالیاتی	شفافیت قوانین و مقررات مالی	۲
فرار مالیاتی	هدفمندی یارانه‌ها به صورت فعلی	۳
فرار مالیاتی	خدمت‌رسانی به مردم توسط دولت	۴
فرار مالیاتی	شفافیت مصرف مالیات توسط دولت	۵
فرار مالیاتی	اجرای جدی قوانین و مقررات مالیاتی موجود	۶
فرار مالیاتی	معرفی میادین کار جدید توسط دولت به افکار بیکار	۷
فرار مالیاتی	پرداختن به نیازهای مادی و معنوی کارکنان امور مالیاتی	۸
فرار مالیاتی	الزامات قانونی مبنی بر ارائه گزارش‌های حسابرسی مالی و صورت‌های مالی حسابرسی شده	۹
فرار مالیاتی	استفاده از فن‌آوری‌های نوین و الکترونیک در تشخیص و وصول مالیات	۱۰

۶- یافته های پژوهش

۶-۱ آزمون تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی

در ابتدا امر باید نرمال بودن داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد، برای آزمون نرمال بودن داده‌های مربوط به عوامل فرهنگی (اطلاعات خام پرسش‌نامه‌ها)، از نرم افزار R و آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شده و نتایج به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0: \text{داده ها از توزیع نرمال تبعیت می کنند} \\ H_1: \text{داده ها از توزیع نرمال تبعیت نمی کنند} \end{cases}$$

جدول ۴: آزمون شاپیرو-ویلک برای عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی	
تعداد	۱۰۸
آماره شاپیرو-ویلک	۰.۹۷۹۶
معیار تصمیم	۰.۰۹۶۱۹

همان‌طور که ملاحظه می‌شود. مقدار معیار تصمیم 0.09619 شده است. و از آنجایی که این مقدار بیشتر از ۰.۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 مبنی بر نرمال بودن داده‌ها، پذیرفته می‌شود.

در نتیجه، به دلیل نرمال بودن داده‌ها برای آزمون تأثیر عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی از آزمون t-استیودنت استفاده می‌شود و از آنجایی که پاسخ پرسش‌ها پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) بوده و گزینه‌ها به ترتیب ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شده‌اند می‌توان سطح بی تفاوتی را ۳ در نظر گرفت و چون تعداد پرسش‌های مربوط به عوامل فرهنگی ۱۲ عدد می‌باشد آنگاه در مجموع سطح بی تفاوتی برابر $12 \times 3 = 36$ خواهد شد.

$$\begin{cases} H_0: \text{عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی تأثیر نمی‌گذارد} \\ H_1: \text{عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد} \end{cases}$$

یا به طور معادل:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 36 \\ H_1: \mu > 36 \end{cases}$$

جدول ۵: آزمون t-استیودنت تک نمونه‌ای عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی	
تعداد	۱۰۸
میانگین	۴۷,۸۸۸,۹
انحراف معیار	۴,۴۳۰,۸۵
درجه آزادی	۱۰۷
آماره t	۴۷,۸۸۸,۹
معیار تصمیم	2.2×10^{-16}

همان‌طور که دیده می‌شود در این آزمون معیار تصمیم برابر 2.2×10^{-16} شده است و از آنجایی که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به‌طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود، به این معنی که عوامل فرهنگی در فرار مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد.

۶-۲ آزمون تأثیرگذاری عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی

در ابتدا امر باید نرمال بودن داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد، برای آزمون نرمال بودن داده‌های مربوط به عوامل اقتصادی (اطلاعات خام پرسش‌نامه‌ها)، از نرم‌افزار R و آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شده و نتایج به‌صورت زیر می‌باشد:

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند: } H_0 \\ \text{داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند: } H_1 \end{array} \right.$$

جدول ۶: آزمون شاپیرو-ویلک برای عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی	
تعداد	۱۰۸
آماره شاپیرو-ویلک	0.9682
معیار تصمیم	0.01395

همان‌طور که ملاحظه می‌شود. مقدار معیار تصمیم در این آزمون برابر ۰.۰۱۳۹۵ شده است. و از آنجایی که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به‌طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود، به این معنی که داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند.

در نتیجه، به دلیل نرمال نبودن داده‌ها برای آزمون تأثیر عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی از آزمون رتبه‌ای ویلکاکسون استفاده می‌شود و از آنجایی که پاسخ پرسش‌ها پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) بوده و گزینه‌ها به ترتیب ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شده‌اند می‌توان سطح بی‌تفاوتی را ۳ در نظر گرفت و چون تعداد پرسش‌های مربوط به عوامل اقتصادی ۵ عدد بوده آنگاه در مجموع سطح بی‌تفاوتی برابر $5 \times 3 = 15$ خواهد شد.

$$\begin{cases} H_0: \text{عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی تأثیر نمی‌گذارد} \\ H_1: \text{عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد} \end{cases}$$

یا به‌طور معادل:

$$\begin{cases} H_0 : \mu \leq 15 \\ H_1 : \mu > 15 \end{cases}$$

جدول ۷: آزمون رتبه‌ای ویلکاکسون عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی	
تعداد	۱۰۸
میانگین	۱۸.۱۸۴۴۷
آماره ویلکاکسون	4633.5
معیار تصمیم	2.08×10^{-14}

همان‌طور که دیده می‌شود در این آزمون معیار تصمیم برابر 2.08×10^{-14} شده است و از آنجایی که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به‌طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود، به این معنی که عوامل اقتصادی در فرار مالیاتی تأثیر گذار می‌باشد.

۶-۳ آزمون تأثیرگذاری عوامل سیاسی-قانونی بر فرار مالیاتی

در ابتدا امر باید نرمال بودن داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد، برای آزمون نرمال بودن داده‌های مربوط به عوامل سیاسی (اطلاعات خام پرسش‌نامه‌ها)، از نرم‌افزار R استفاده شده و نتایج به صورت زیر می‌باشد،

$$\begin{cases} H_0: \text{داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند} \\ H_1: \text{داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند} \end{cases}$$

جدول ۸: آزمون شاپیرو-ویلک برای عوامل سیاسی

عوامل اقتصادی	
تعداد	۱۰۸
آماره شاپیرو-ویلک	0.9827
معیار تصمیم	0.1973

همان‌طور که ملاحظه می‌شود. مقدار معیار تصمیم برابر شده است. و از آنجائی که این مقدار بیشتر از ۰.۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 مبنی بر نرمال بودن داده‌ها را بپذیریم.

در نتیجه، بر اساس قضایای آماری برای آزمون تأثیر عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی از آزمون t-استیودنت استفاده می‌شود و از آنجایی که پاسخ پرسش‌ها پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) بوده و گزینه‌ها به ترتیب ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شده‌اند می‌توان سطح بی‌تفاوتی را ۳ در نظر گرفت و چون تعداد پرسش‌های مربوط به عوامل سیاسی ۱۰ عدد بوده آنگاه در مجموع سطح بی‌تفاوتی برابر $10 \times 3 = 30$ خواهد شد:

$$\begin{cases} H_0: \text{عوامل سیاسی بر فرار مالیاتی تأثیر نمی‌گذارد} \\ H_1: \text{عوامل سیاسی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد} \end{cases}$$

یا به طور معادل:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 30 \\ H_1: \mu > 30 \end{cases}$$

جدول ۹: آزمون t-استیودنت تک نمونه‌ای عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی	
تعداد	۱۰۸
میانگین	۳۹.۴۲۷۱۸
انحراف معیار	۴.۴۳۰۸۵
درجه آزادی	102
آماره t	20.9407
معیار تصمیم	2.2×10^{-16}

همان‌طور که دیده می‌شود در این آزمون معیار تصمیم برابر 2.2×10^{-16} شده است و از آنجایی که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت در سطح خطای ۵٪ یا به‌طور معادل در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود، به این معنی که عوامل سیاسی در فرار مالیاتی تأثیر گذار می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

در پژوهش حاضر تمام فرضیه‌های H_1 مبنی بر تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر فرار مالیاتی تأیید شدند. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد عوامل فرهنگی در ایجاد باور و اطلاعات از قوانین و مقررات مالیاتی مؤثر است. بنابراین، ایجاد باور و اعتقاد بیشتر مردم تأثیر بر پرداخت مالیات دارد. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد بین عوامل اقتصادی و فرار مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، شاید بتوان گفت عوامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین مؤلفه در پرداخت مالیات مؤدیان است. اگر مؤدیان وضعیت اقتصادی مطلوب داشته باشند، مسلماً بهتر و راحت‌تر مالیات را پرداخت خواهند کرد. در خصوص نتایج فرضیه سوم می‌توان بیان نمود که عدالت و کارکرد مؤثر سازمان مالیاتی، ساده‌سازی متون قوانین مالیاتی، منطقی کردن مراحل اخذ مالیات، آموزش قوانین و مقررات مالیاتی به مردم و از همه مهم‌تر تقویت اعتماد سیاسی می‌تواند از مؤلفه‌های تأثیر گذار در تمکین مالیاتی محسوب شود. نتایج تحقیق حاضر با پژوهش‌های صالحی و همکاران (۱۳۹۳)، مرادی و همکاران (۱۳۹۲) و زهی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

- با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد مشخص کردن نحوه خرج کردن مالیات در جامعه و آگاه کردن مردم از اهمیت پرداخت مالیات از جمله عواملی است که می‌تواند بر گسترش و ارتقاء فرهنگ مالیاتی مؤثر باشد. به این ترتیب موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
۱. نوشتن شعارهای مالیاتی و پلاکاردهایی که حاوی گفتار بزرگان و علمای دین درباره مالیات و وصول آن و نصب در سطح شهرها و اماکن پرجمعیت.
 ۲. ایجاد اعتماد و اعتقاد بیشتر مردم به دولت از طریق تبلیغات صحیح و انجام امور فرهنگی به نحوی که مالیات مانند خمس و زکات توسط خود مؤدی محاسبه و پرداخت شود.
 ۳. بالا بردن فرهنگ مالیاتی از طریق تبلیغات و رسانه‌های گروهی توسط روحانیان و مسئولان فرهنگی کشور.
 ۴. همچنین پیشنهاد می‌شود تناسب میزان مالیات دریافتی از مؤدیان با درآمدها و خدمات ارائه شده به مؤدیان برقرار شده و خواسته‌ها و نظرات مؤدیان در پرداخت مالیات مدنظر قرار باشد. همچنین کاهش پیچیدگی‌های اداری، اعطای تسهیلات ویژه، همچون تخفیف دادن به مؤدیان در پرداخت مالیات، طراحی سیستم ارزیابی عملکرد کارشناسان مالیاتی بر اساس خدمات ارائه شده به مؤدیان، اعطای جوایز تشویقی به مؤدیان، ایجاد وحدت رویه در تفسیر قوانین مالیاتی، آموزش و ارتقای سطح علمی کارشناسان مالیاتی، شفاف‌سازی در باب میزان مالیات وصول شده و مصارف مالیاتی‌های اخذ شده پیشنهاد می‌گردند.
 ۵. آگاه کردن مردم و ارائه برنامه‌های مهم اقتصادی اجتماعی و زیر بنایی که از محل درآمدهای مالیاتی در سطح استان انجام می‌شود.
 ۶. افزایش کادر مجرب و متعهد و آگاه به قوانین و خوش‌برخورد مالیاتی در حوزه‌های مستقر در اداره کل امور مالیات استان و بهبود سیستم مدیریتی آنها.
 ۷. محاسبه و اخذ مالیات بر اساس عدل و انصاف با دلایل توجیهی و مستند قانونی.
 ۸. بیان و تفهیم قوانین مالیاتی با روش ساده و گویا برای مؤدیان مالیاتی توسط مجریان امور مالیاتی.

فهرست منابع

- استرکی، مرضیه. (۱۳۸۹)، فرهنگ پرداخت مالیات، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، صص ۸۸-۹۴.
- رسولی شمیرانی، رضا و اسدالله زاده، میر رستم. (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تمکین و خود اظهاری مؤدیان مالیاتی و ارائه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود، اولین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
- زهی، نقی و محمد خانلی، شهرزاد. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، شماره نهم، صص ۲۵.
- صالحی، مهدی؛ پرویزی فرد، سعید و استوار، مستوره. (۱۳۹۳)، تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مؤدیان امور مالیاتی، پژوهش‌نامه مالیات / شماره بیست و سوم (مسلسل ۷۱) پاییز ۱۳۹۳ صص ۲۱۴ - ۱۸۵.
- طاهر پور کلاتری، حبیب‌الله و علی یآوری شوره دلی، علی. (۱۳۸۳)، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات مدرن، تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.
- خادم، حمید؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ عبدی، علی و مرویان حسینی، زهرا. (۱۳۹۳)، بررسی رفتار اخلاقی مؤدیان بزرگ مالیاتی از دیدگاه اخلاقی پست‌مدرن، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۴ (مسلسل ۷۲)، زمستان، صص ۱۱-۳۵.
- قامتی آرانی، حسن (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی و وصول مالیات از دیدگاه کارکنان اداره امور مالیاتی شهرستان آران و بیدگل»، تهران، موسسه عالی آموزش و پرورش.
- قبله وی، غلامرضا. (۱۳۸۶)، فرهنگ مالیات و بررسی آن در میان جامعه پزشکان شمال تهران و ارائه یک مدل تحلیل رفتاری، طرح پژوهش.
- مرادی، مهدی؛ رستمی، امین و تقی زاده، رضا. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی، پژوهشنامه مالیات، تابستان، شماره هجدهم، صص ۱۸۱.

نصر اصفهانی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان امور مالیات مالیاتی، دو فصلنامه پژوهش‌های مالیة اسلامی، سال اول شماره اول، شماره اول، صص ۲۷-۳۶.

- Ahmed, Y. and Helhel, Y.,(2014), Factors Affecting Tax Attitudes and Tax Compliance: A Survey Study in Yemen, *European Journal of Business and Management*,ISSN 2222-1905 (Paper) ISSN 2222-2839 (Online) Vol.6, No.22.
- Becker, G. S., (1968), Crime and punishment: An economic approach. *Journal of Political Economy*, 76, 169-217.
- Bhagwati, Jagdish N. and Hansen B.,(1973), A theoretical Analysis of Smuggling, *The Quaterly Journal of Economic*, 87 (2), PP:172-187.
- Bhagwati, Jagsish N., (1974), On Underinvoicing of import in Illegal Transcation in International trade. LTD.OXFORD.
- Celimene, F., Dufreont, G., Mopho, G., NGuerekata, G., (2016), Tax evasion, tax corruption and stochastic growth, *The Journal Economic Modelling*, 52, pp. 251-258.
- Farayola, G.O., (1987), Guide to Nigerian Taxes Lagos All Crowns Nig.Ltd.
- Fled. L. P. and Frey, B. S., (2002), Trust Breeds Trust: How Taxpayers are Treated. *Economic of Governance*, 3, pp: 87-99.
- Oladele, j.,(2013), Study in Yemen akinyomi Financial Studies Departement, Redeemer's University.
- Ogun State, N.,(2013), Appraisal of factors influencing tax avoidance and evasion innigeria, *International Jounal of Research in Commerce and Management* 05/; 4(5), PP:107-111.
- Jackson, B R., and Milliron, V. C., (1986), Tax Compliance Resercher: Finding Problems and Prospects. *Journal of Accounting Literature*, 5, 125-165.
- Abiola,j., and Asiwah,m., (2012), Impact of Tax Administration on Government revenue in a Developing Economy: A Case

- Study of Nigeria. *International Journal of Business and Social Sciences*, 3(8), PP: 99-113.
- Levi, M., (1998). A State of Trust in V. Braithwaite and M. Levi (Eds.), *Trust and Governance*. New York, NY: Russell Sage Foundation, pp: 77-101.
- Malkawi, Bashar H. and Haloush, Haitham A., (2008), "The case of income tax evasion in Jordan: symptoms and solution", *Journal of Financial Crime*, Vol. 15 Iss: 3, pp:282-294.
- Schneider, F. and D. Enste, (2000), *Shadow Economies around the World: Size, Causes and Consequences*, IMF Working Paper WP/00/26, pp:1-56.
- Slemrod, J., (2003) *Trust in Public Finance* in S. Cnossen and H.w. Sinn (Eds.), *Public finance in the New Century* Cambridge, MA: MIT Press, PP: 49-88.
- Song, Y. D. and T.E. Yarbrough, (1978), *Tax Ethics and Tax Attitudes: A Survey*. *Public Administration Review*, 38, pp:442-452.
- Uadiale, M.O.T.O., Fagbemi, and, J., and Ogunleye, O., (2010), *An Empirical Study of the Relationship between Culture and Personal Income Tax Evasion in Nigeria*. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, Issue 20.
- Vogel, J., (1974), *Taxation and public Opinion in Sweden: An Interpretation of Recent Survey Data*. *National Tax Journal*, 27, pp:499-513.